

قناعت

contentment



جان گلزاری

Hazaragi

قناعت

contentment

Images on pages Front Cover, 1 by © 2020 Public Domain.

Images on pages 2–8 by CC0 1.0.

تشکر از وزارت معارف که قالب ای کتاب ره ده اختیار مو ایشته

Hazaragi

Afghanistan, Pakistan, Australia

Copyright © 2022, John Gulzari



<http://creativecommons.org/licenses/by-nd/1.0/>

You are free to make commercial use of this work. You may not make changes or build upon this work without permission. You must keep the copyright and credits for authors, illustrators, etc.

زیبونی آزرگی

جان گلزاری

This book is an adaptation of the original, قناعت, Copyright 2021 Creative Associates International. Licensed under CC0 1.0. دومین عامه.

تشکر از وزارت معارف و بلوم بک

ISBN 978-0-6454841-3-7



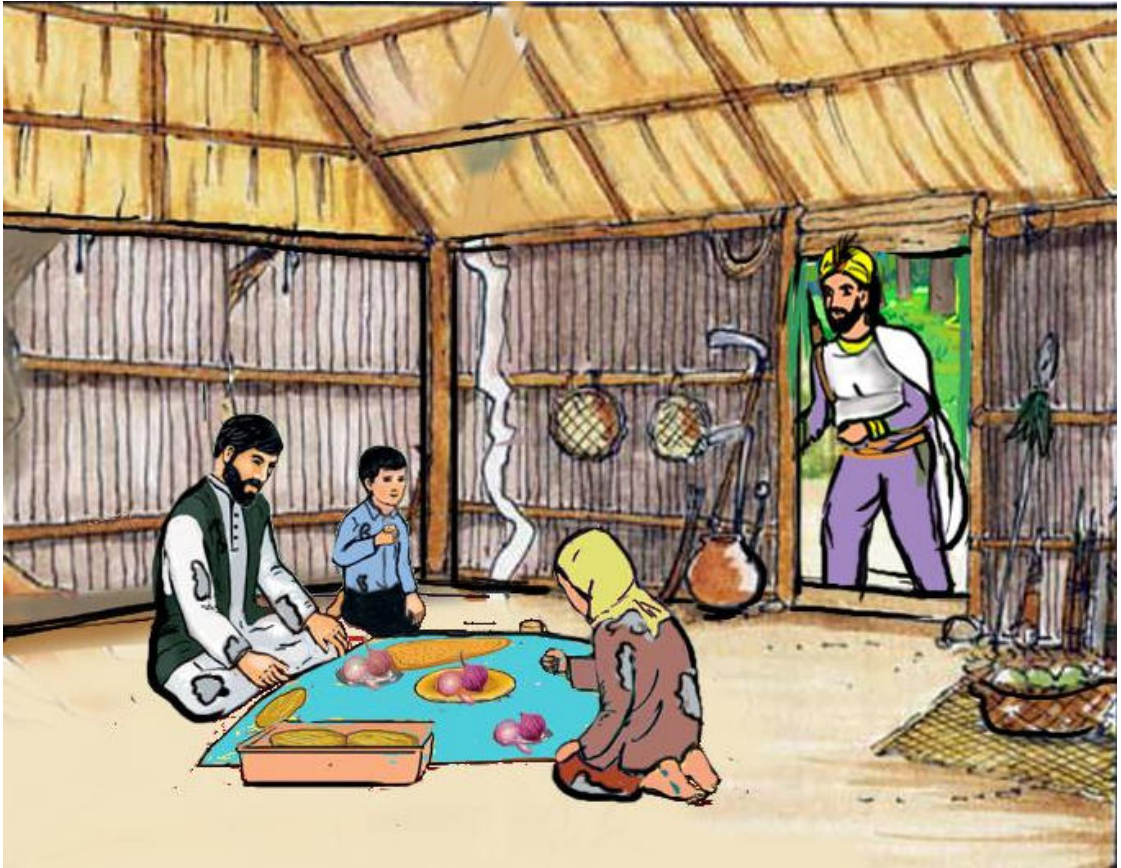
بود نبود ده وختای گاه یک پادشا
بود. او غدر پول دوست بود.



اُو ار غید پول ٹول موکد. یگر د پادشا
ده شکار رافت.



پادشا خیلی گُشنا شد. یک کرد
چیمائشی ده یک خانه اُفتید.



غیدی نزدیک خانه رفت درگه
خانه واز بود. توخ که یک مرتیکه قد
زوستوی خو سری دسترخو شیشند.



پادشا سلام کد! گفت میمون بی وخت
خوش درید؟ "مه گوشنه استوم" نان
و پیاز سری دسترخو ایشند.



مرتیکه میمو ره منده نشی کد و گفت
"میمو رحمت خدا یه"، نان و پیاز
ره پیش میمو ایشته.



پادشا دید: مرتیکه بدروز از زندگی
خو راضی استه. او ده کم قناعت دره
وه ده بدروزی خو ام شکر مکشه.



مرتیکه گفت: مه آروزیم خوب
نیسته. پادشا گفت: تو غدر ثروتمندی
و اُو ره موگیه «قناعت».

نان و پیاز، قاش و از

کتاب
سماغ
زیبونی آزرگی
بلدے
زوستون
صنف اولنه.